

تاریخ نگار حوادث

ماجرای هواپیمای مسافربری ایران در سال ۶۷

دوازده تیرماه سال ۱۳۶۷، درست ۳۰ سال پیش، ناو آمریکایی وینسنس یک فروند هواپیمای مسافربری ایران را در خلیج فارس هدف قرار داد و همه ۲۹۰ سرنشین آن را به شهادت رساند. ساعت ۱۰ صبح هواپیمای جمهوری اسلامی ایران پرواز ۶۵۵ با ۱۵ دقیقه تأخیر در ساعت ۱۰:۰۵ از برج مراقبت فرودگاه بندرعباس تقاضای پرواز کرد. مدت پرواز تا دوی ۳۰ دقیقه و حداکثر ۱۴ هزار پاتعیین شد. ساعت ۱۰:۱۷، هواپیمای ایرباس ۳۰۰ به پرواز درآمد. دقیق نخستین پرواز و مراحل اوگیر کی تار ارتفاع ۱۲ هزار پایی مطابق طرح پرواز انجام شد و خلبان به طور پیوسته با برج مراقبت فرودگاه بندرعباس و مرکز کنترل راه‌های هوایی ایران و امارات تماس داشت. در خلیج فارس ناو جنگی آمریکایی وینسنس که در تاریخ هفتم خرداد از بندر سان دیه‌گو وارد خلیج فارس شده بود، به قصد ماجراجویی هوایی به آب‌های مرزی ایران نزدیک شد. ایجنتر مارک قلب این رزم‌ناو به‌شمار می‌رفت. وظیفه اصلی آن، کشف هدف‌های پرنده، اعم از موشک، هواپیما و پردازش اطلاعات، تعقیب صدها هدف به‌طور همزمان و کنترل آتش آنها بود. همچنین این رزم‌ناو به موشک‌های زمین به هوا با برد ۴۰۸ کیلومتر مجهز بود. چند لحظه پیش از ورود هواپیمای ایرباس ۳۰۰ به منطقه کنترل هوایی امارات، در محلی به نام مولبیت، خلبان به مرکز کنترل هوایی کشور اطلاع داد که قصد دارد تا ارتفاع ۱۴ هزار پایی بالا برود.

ساعت ۱۰:۲۲ ناو وینسنس که خود را به بهترین و نزدیکترین موقعیت رسانده بود، به دستور ناخدا ویلیام راجرز، فرمانده ناو، موشک استاندارد ۲ به سوی پرواز ۶۵۵ شلیک کرد. ناگهان هواپیما از صفحه رادارهای زمینی محو شد و در طولانی از دود و آتش به پهنه آب‌های نیلگون خلیج فارس فرورفت.

به دلیل اطلاع نداشتن از سرنوشت هواپیما، برج مراقبت فرودگاه بندرعباس در تماس با دوی پیگیر سرنوشت پرواز ۶۵۵ شد ولی آنها اظهار بی‌اطلاعی کردند. بلافاصله ستاد تأمین استان هرمزگان وضعیت اضطراری اعلام و فعالیت خود را آغاز کرد. پس از این جنایت هولناک، مقامات آمریکایی اعلام کردند که یک فروند هواپیمای اف-۱۴ ایران را مورد هدف قرار داده‌اند. پس از روشن شدن نوع هواپیما، آمریکایی‌ها سعی کردند به‌نحوی وانمود کنند که در این مورد مرتکب اشتباه شده‌اند، اما شواهد بعدی این نظر آنان را کاملاً مردود جلوه داد.

ذره بین

سرقت مسلحانه از طلافروشی در نهاوند

ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه یک مغازه طلافروشی در شهرستان نهاوند مورد سرقت قرار گرفت. در این حادثه ۴ سارق مسلح با اسلحه کلاشینکف به صورت ممتد اقدام به تیراندازی هوایی کردند. سارقان مسلح به محض ورود به طلافروشی اقدام به ترساندن مردم و تیراندازی کردند و یکی از آنها طلاهای پشت ویتزین را جمع‌آوری کرد. با اعلام این سرقت طرح مهار در جاده‌های ورودی و خروجی نهاوند برای سارقان آغاز شد و پیش‌بینی می‌شود با دوربین‌های کنترل شهری به‌زودی دستگیر شوند.

بازی مرگ کودک ابهری در پارک پردیس

هنگام استفاده کودک هفت‌ساله ابهری از تجهیزات بازی پارک پردیس ابهر به‌طرز عجیبی سرسره و تجهیزات بر سر بچه‌آوار شد و این اتفاق پرونده زندگی پوریای هفت‌ساله را برای همیشه بست تا بار دیگر حادثه هنگام بازی، خانواده‌ای را داغدار کند. در این حادثه کودک دچار ضربه مغزی شده و بعد از انتقال به بیمارستان متأسفانه فوت می‌کند. در پی این حادثه و اعتراضات قلی مردم مینی برنامناسب بودن تجهیزات بازی این پارک به‌دستور دادستان شهرستان، وسایل بازی در پارک پردیس تا اطلاع ثانوی پلمپ و غیرقابل استفاده است.

قطعا بروز این حادثه ناشی از مجموعه سهل‌انگاری‌هایی بوده است که این سهل‌انگاری‌ها می‌تواند از طرف شهرداری، شورای شهر، بیمانکار، شرکت بیمه و اداره استاندارد باشد که تأیید یا عدم تأیید نقش هر کدام مستلزم بررسی همه‌جانبه نقش آنها در این پرونده است.

در همین رابطه، رئیس شورای اسلامی شهر ابهر ضمن تأیید خبر فوت این کودک اظهار کرد: پرونده این حادثه با جدیت تمام در دست بررسی است. مقصر اصلی حادثه با تکمیل پرونده مشخص می‌شود و قطعاً موضوع تا حصول نتیجه پیگیری خواهد شد.

هر کسی که در خانه شما حضور دارد باید بداند هنگام وقوع زلزله چه اقدامی انجام دهد حتی اگر شما موقع وقوع حادثه آنجا نباشید.



۷ کشته و ۲۳ مصدوم در واژگونی اتوبوس

واژگونی اتوبوس مسافربری در کیلومتر ۴۰ جاده سبزوار-شاه‌رود ۷ کشته و ۲۳ مصدوم برج‌گذاشت. در این حادثه دلخراش، اتوبوس زائران عراقی ساعت ۲۲ دوشنبه شب که از سبزوار به سمت شاه‌رود در حرکت بود به علت نامعلومی واژگون شد. بلافاصله پس از وقوع حادثه عوامل اورژانس ۱۱۵ و جمعیت هلال‌احمر سبزوار به محل اعزام شدند. ۱۲ دستگاه آمبولانس و یک اتوبوس آمبولانس برای اعزام مصدومان به بیمارستان امداد شهید بهشتی سبزوار به محل حادثه اعزام شدند. علت حادثه از سوی کارشناس پلیس راه در دست‌بررسی است.

متهمان در گفت و گویا «شهروند» علت درگیری را کوری خوانی های وحید مرادی اعلام کردند

کالبدشکافی یک قتل‌های پرودهی در زندان رجایی شهر

متهمان وحید را با چاقو زدیم؛ همان تیزی های دست سازی که در زندان ساخته بودیم اما او را نکشتیم



شهروند | شاخ ایستادار زندان کشته شد. شرور معروفی که کلیپ قلدری‌هایش او را در فضای مجازی به شهرت رسانده بود، حالا دیگر برای همیشه شاخش شکست و هم‌بندی‌هایش پرونده او را بستند. به جرم قتل دوست صمیمی‌اش در زندان به سر می‌برد و در آخرین گفت‌وگویش امیدوار بود که بتواند از اولیای دم رضایت بگیرد. اما هرگز نتوانست رنگ آزادی را ببیند. چرا که هم جرم‌هایش او را کشتند و به لیست آدم‌کشی‌هایشان اضافه کردند. درگیری وحشتناکی که به گفته متهمان این قتل، به شلوغی و عربده‌کشی‌های شدیدی بین چندین زندانی ختم شد. هنوز قاتل اصلی مشخص نیست. تنها چیزی که معلوم است این است که وحید مرادی را با ۵ ضربه چاقو کشته‌اند. تیزی‌های دست‌سازی که در دستان اکثر شرکت‌کنندگان در این درگیری وجود داشت. همان تیزی‌ها کار وحید را تمام کرد و حالا سه نفر هستند که متهم اصلی قتل هستند. طبق بررسی‌ها دو نفر مظنون به کشتن وحید بودند و صبح دیروز هم به دادرسی جنایی پایتخت منتقل شدند. اما در آخرین بازبینی‌هایی که کارآگاهان پلیس پایتخت از دوربین‌های زندان انجام دادند متهمان به سه نفر افزایش یافتند که بازجویی از نفر سوم نیز به زودی انجام خواهد شد.

در حال حاضر این حسام و بابک بودند که به‌سوال‌ات قاضی شهر یاری رئیس دادرسی جنایی پایتخت پاسخ دادند. دو نفری که هر کدام قتل‌های جداگانه‌ای در پرونده قضائی خود داشتند و یکی از آنها نیز با گرفتن رضایت از خانواده اولیای دم مقدمات آزادی‌اش فراهم شده بود. اما حالا پایش در یک جنایت دیگر گیر افتاده است. این دو مجرم با این که به قتل‌ها راه‌برده‌نگرفتند و مدعی شدند که نمی‌دانند وحید در آن شلوغی و همهمه وحشتناک چطور کشته شد. می‌گویند ضربه‌را زده‌اند اما ضربه آنها کشته‌کننده نبود. گویا همه چیز از قدرت‌نمایی‌ها و قلدری‌های وحید در زندان رجایی شهر کرج آغاز شده بود. شرور معروف پایتخت در زندان هم برای خودش نوجهایی داشت و قدرت‌نمایی می‌کرد. همین باعث

اختلاف او با زندانیان دیگر شد و در نهایت هم سر آغاز درگیری که به جنایت ختم شد. حسام که دو قتل را در پرونده‌اش دارد و حالا نیز به اتهام سومین جنایتش بازجویی می‌شود، صبح دیروز در اتاق رئیس دادرسی جنایی ادعا کرد که به علت قلدری‌ها و کوری خواندن‌های وحید مرادی با او درگیر شده است. ۱۳ بهمن سال ۹۵ بود که درگیری چند نفر از اراذل و اوباش در خیابان منصور به پلیس گزارش شد. با حضور مأموران مشخص شد که در جریان این درگیری فردی به نام علی با شلیک گلوله اسلحه‌شکاری به قتل رسیده است. تحقیقات نشان داد که مقتول با ضرب گلوله یکی از اشرار سطح یک تهران به قتل رسیده است. اقدامات پلیسی برای دستگیری حسام و همدستش در دستور کار کارآگاهان قرار داشت تا سرانجام مخفیگاه هر دو آنها در فاز دوم اندیشه و شهرستان قم - منطقه توانیر شناسایی شد. هر دو در دو عملیات هم‌زمان دستگیر شدند. در جریان تحقیقات از حسام مشخص شد که او علاوه بر قتل علی، در یک سرقت مسلحانه از یک طلافروشی در شهرستان لاهیجان نیز نقش داشته است. این مجرم درباره جزئیات قتل وحید مرادی می‌گوید: «از روز اولی که وحید به زندان منتقل شد، با او مشکل داشتیم. همه می‌گفتند او وحید مرادی است. او شرور معروفی است و باید از او بترسیم. در صورتی که ما اصلاً از این مرد نمی‌ترسیدیم. تا این که متوجه شدیم خودش هم کوری می‌خواند و تصور می‌کند همه باید به دستوراتش عمل کنند. از همان روز اول ورودش به زندان برای خودش کلی نوجه گرفت و همه باید در خدمتش بودند. مرتب قلدری می‌کرد و کوری می‌خواند.

در حال حاضر سه نفر متهم اصلی این پرونده هستند که پنج قتل را در پرونده قضائی خود دارند و یکی از آنها نیز با گرفتن رضایت از خانواده اولیای دم مقدمات آزادی‌اش فراهم شده بود. اما حالا پایش در یک جنایت دیگر گیر افتاده است

خیلی از دستش شاکی بودیم. البته بیشتر زندانیان هم از او شاکی بودند و از رفتارهایش خوششان نمی‌آمد. تصور می‌کرد رئیس همه ما است. تا این که آن روز ساعت دو ظهر بود که بعد از خوردن ناهار برای هواخوری به حیاط رفتیم. آنجا بود که سر موضوعی با وحید درگیر شدیم و او بار دیگر شروع کرد به کوری خواندن و قدرت‌نمایی کردن؛ خیلی عصبانی شدیم. بابک هم همراه من بود که با وحید درگیری لفظی پیدا کردیم. تا این که وحید فحش ناموس داد. دیگر نتوانستیم تحمل کنیم. با هم درگیر شدیم و درگیریمان به سالن کشید. در سالن ما ۲۰۰ نفر زندانی وجود داشت. همه ترسیده بودند. البته چند نفر هم وارد درگیری شدند. به هم آب جوش و روغن داغ پرت می‌کردیم. وقتی درگیریمان بالا گرفت در نهایت دست به چاقو شدیم.

منظور از چاقو همان تیزی‌های دست‌سازی است که در زندان ساخته بودیم. وحید هم از این تیزی‌ها داشت. او نیز چاقو کشید. ما ضربه زدیم ولی وحید همچنان زنده بود. ضربه‌ای که به قلبش بخورد را ما نزدیم. نمی‌دانیم در آن شلوغی و درگیری چه کسی ضربه اصلی‌را زده است.»

متهم دیگر این پرونده نیز قرار بود به زودی بعد از گذشت ۱۲ سال از زندان آزاد شود. از اولیای دم رضایت گرفته بود و مقدمات آزادی‌اش را فراهم می‌کرد. حالا اما به جرم قتل شرور معروف پایتخت به‌سوال‌ات قاضی پاسخ می‌دهد. بابک هم درباره روز حادثه در حالی که قتل را به گردن نمی‌گیرد، می‌گوید: «آن روز وقتی وحید فحش ناموس داد، عصبانی شدیم. اما ضربه اصلی را نزدیم. ما به وحید ضربه زدیم، ولی او را نکشتیم. در آن شلوغی نمی‌دانیم چه کسی ضربه اصلی را زده است. فقط در یک لحظه دیدیم که وحید روی زمین افتاده است. وقتی رسید به بهداری دیگر تمام کرده بود. قصد ما کشتن نبود. من خودم ۱۲ سال به جرم قتل در زندان بودم و تازه رضایت گرفته بودم. داشتم آزاد می‌شدم. چرا باید درست وقتی که در شرف آزادی‌ام دوباره دست به جنایت بزنم. وحید مرادی خودش درگیری را شروع کرد و مرتب با ما کل می‌کرد.»



آشنایان و اقوام دورم است، به محل قرار ملاقات با خریدار، در منطقه پاسگاه نعمت‌آباد - میدان نارالله رفتیم؛ منتظر خریدار بودیم که ناگهان یک پراید با سه سرنشین در برابر ما توقف کرد و هر سه نفرشان در حالی که همراه خود اسلحه و بی‌سیم داشتند، از خودرو پیاده شدند؛ وقتی آنها قصد دستگیری هر دو نفر ما را داشتند، سعید توانست از دست آنها متواری شود، اما من دستگیر شدم و سرنشینان پراید ضمن دستبند زدن به دستانم مرا با تهدید اسلحه سوار خودرو کرده و به راه افتادند. در طول مسیر و در داخل اتوبان فداییان اسلام بود که متوجه شدم آنها قصد سرقت ۱۵ هزار دلار همراهم را دارند؛ نهایتاً مبلغ ۱۵ هزار دلار من را سرقت و پس از آن مرا در حاشیه اتوبان فداییان از خودرو پیاده کردند و از محل متواری شدند.»

با توجه به شیوه و شگرد سرقت، کارآگاهان اطمینان پیدا کردند که سارقان با داشتن اطلاعات کامل در خصوص زمان و محل تردد مالباخته و با اطمینان کامل از همراه بودن پول از سوی مالباخته اقدام به طراحی سرقت کردند، بنابراین اقدامات ویژه پلیسی جهت بررسی این فرضیه در دستور کار کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی قرار گرفت و کارآگاهان این اداره اطمینان پیدا کردند که تمامی اطلاعات جهت انجام سرقت از سوی «سعید» که در روز سرقت همراه مالباخته بوده و ظاهراً موفق به فرار از دست مأموران شده، در اختیار همدستانش قرار گرفته و اقدام به فرار وی از دست سارقان نیز صرفاً یک ظاهرسازی بیش نبوده است.

با توجه به جمع‌بندی انجام‌شده و اطمینان کارآگاهان از نقش سعید در سرقت، وی توسط کارآگاهان دستگیر شد، اما برابر انتظار در اظهارات

تبهکاران در پوشش مأموران مبارزه با قاچاق ارز، مالباخته را سرکیسه کردند

سرقت ۱۵ هزار دلار با اسلحه و بی‌سیم



جهت شناسایی و دستگیری سارقان در اختیار اداره یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت. مالباخته پس از حضور در اداره یکم پلیس آگاهی تهران بزرگ در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: «بعد از ظهر ۳۱ اردیبهشت ماه بود که جهت فروش ۱۵ هزار دلار آمریکا با یکی از بستگان خود به نام سعید که از

شهروند | سارقان مسلح که با تهیه سلاح گرم و تحت پوشش پلیس اقدام به سرقت ۱۵ هزار دلاری در منطقه پاسگاه نعمت‌آباد کرده بودند، در دام مأموران گرفتار شدند. در پی تشکیل پرونده مقدماتی با موضوع «سرقت مسلحانه تحت پوشش مأمور» در کلاتری ۱۵۲ خان‌آباد نسو، این پرونده